



# International Journal of Advanced Academic Studies

E-ISSN: 2706-8927

P-ISSN: 2706-8919

[www.allstudyjournal.com](http://www.allstudyjournal.com)

IJAAS 2021; 3(1): 45-51

Received: 23-11-2020

Accepted: 25-12-2020

پوهنیار خواجه سردار صدیقی  
 عضو کادر علمی دیپارتمنت  
 روانشناسی و تعلیم و تربیه  
 ناشنوایان پوهنحی تعلیمات  
 اختصاصی پوهنتون تعلیم و تربیه  
 شهید استاد ربانی

## بررسی شیوه‌های آموزش مهارت خواندن به کودکان ناشنوا در مکاتب خاص شهر کابل

پوهنیار خواجه سردار صدیقی

### چکیده

توانایی خواندن نقش بسیار مهمی را در موفقیت تحصیلی و شغلی افراد ایفا می‌کند چنانچه افرادی که در این مهارت تبحر بالایی دارند نسبت به افرادی که در این زمینه عملکرد ضعیف داشته‌اند، از لحاظ تحصیلی پیشرفت‌های خوبی داشته و توانسته‌اند شغل مناسب را برای خود کسب کنند. متأسفانه نتایج تحقیقات متعدد نشان داده است که افراد ناشنوایی که از مکاتب خاص فارغ شده‌اند، با وجود اینکه به دلیل داشتن مشکلات ارتباطی نسبت به افراد شنوا نیاز بیشتری به فراگیری مهارت خواندن دارند در این زمینه بسیار ضعیف هستند. از آنجا که در شرایط کنونی افغانستان مسئولیت آموزش مهارت خواندن به افراد ناشنوا به عهده مکاتب خاص قرار دارد، تا حدود زیادی می‌توان این ضعف را نتیجه ناکامی برنامه‌های آموزشی مکاتب دانست. نوشته کنونی که نتیجه مطالعه‌ای است تحت عنوان "بررسی شیوه‌های آموزش مهارت خواندن به کودکان ناشنوا در مکاتب خاص شهر کابل" به این منظور طرح و اجرا گردیده است تا به بهبود کیفیت برنامه‌های آموزشی‌دهی در بخش توسعه مهارت‌های خواندن کودکان ناشنوا کمک نماید و در طی اجرای آن کوشش صورت گرفته است تا به این سوال که "مکاتب ناشنوایان با چه چالش‌هایی در بهبود روش‌های آموزش مهارت خواندن به شاگردان ناشنوا روبرو هستند؟" پاسخ‌های مناسب دریافت کند. به منظور دست‌یابی به هدف متذکره محقق از روش تحقیق کیفی استفاده نموده و اطلاعات از طریق مصاحبه با 14 تن از معلمان مکاتب ناشنوایان شهر کابل که اشتراک کنندگان این تحقیق می‌باشند، به دست آمده بود. نتایج این تحقیق نشان داده است، عدم باورمندی معلمان به توانایی‌های شاگردان ناشنوا، نبود برنامه‌های زود هنگام، عدم حمایت و همکاری والدین، عدم آشنایی و استفاده معلمان از روشها و فعالیت‌های آموزشی مناسب و مواد آموزشی نامناسب از جمله مهمترین چالش‌های بهبود آموزش مهارت خواندن به شاگردان ناشنوا در مکاتب خاص شهر کابل می‌باشد و به منظور رفع این چالش‌ها لازم است تا مکاتب خاص کابل اقدامات لازم را در جهت بهبود مهارت‌های ارتباطی کودکان ناشنوا، برنامه‌های اقدامات اولیه، مهارت‌های آموزشی معلمان و سهم‌گیری والدین در فعالیت‌های مکتب روی دست گیرند.

نکات کلیدی: ناشنوایان، مهارت خواندن، شیوه‌های آموزش

### 1. مقدمه و بیان مسئله

کسب مهارت خواندن مزیت‌های بی‌شماری را برای افراد ناشنوا به همراه دارد، چنانچه نقش مهمی را در موفقیت تحصیلی، تبدیل شدن به یک شهروند آگاه، به دست آوردن شغل مناسب و تجربه کمال شخصی داشته و ضروری پنداشته می‌شود (جاکسون<sup>1</sup> و لندبرگ<sup>2</sup>، 2000). بر علاوه آن برخی از تحقیقات نشان داده اند که کسب مهارت خواندن می‌تواند بر میزان هوش تاثیر داشته باشد. چنانچه کونینگهام<sup>3</sup> و استانوویچ<sup>4</sup> (1988) اظهار داشته اند افرادی که می‌توانند بخوانند نسبت به افرادی که این توانایی را ندارند تمایل دارند تا باهوشتر باشند. برخی از تحقیقات دیگر حتی از این فراتر رفته اند و نشان داده اند که توانایی خواندن می‌تواند بر سلامتی فرد نیز تاثیر گزار باشد؛ چنانچه انجمن طبی آمریکا<sup>5</sup> (1999) اعلان داشته است افرادی که توانایی خوبی در خواندن دارند نسبت به کسانی که توانایی خواندن در آنها ضعیف است صحتمند تر هستند (به نقل از جاکسون و لندبرگ، 2000).

### Corresponding Author:

پوهنیار خواجه سردار صدیقی  
 عضو کادر علمی دیپارتمنت  
 روانشناسی و تعلیم و تربیه  
 ناشنوایان پوهنحی تعلیمات  
 اختصاصی پوهنتون تعلیم و تربیه  
 شهید استاد ربانی

<sup>1</sup> Jacobsn

<sup>2</sup> Lundberg

<sup>3</sup> Cunningham

<sup>4</sup> Stanovich

<sup>5</sup> American Medical Association

**2.1 اهمیت و ضرورت تحقیق**

با در نظر داشت این واقعیت که مکاتب ناشنوایان مسئول توسعه مهارت‌های خواندن در افراد ناشنوا میباشند و فعالیت‌های آموزشی نقش مهمی را در بهبود این مهارت‌های ایفا میکنند، شناخت شیوه‌های آموزشی استفاده شده در مکاتب خاص ناشنوا برای بهبود شرایط آموزش خواندن به افراد ناشنوا ضروری و مهم می‌باشد. چنانچه نتایج این تحقیق در سطح کلان باعث افزایش دانش و تغییر ذهنیت عامه نسبت به آموزش و پرورش و توانبخشی افراد ناشنوا می‌گردد و به شکل اختصاصی به دست‌درکاران آموزش و توانبخشی افراد ناشنوا کمک می‌نماید تا علاوه بر اینکه با نیازها افراد ناشنوا در قسمت فراگیری مهارت خواندن آشنا می‌شوند، موانع موجود در آموزش مهارت خواندن به افراد ناشنوا را شناخته و از این طریق با اتخاذ تصمیم مناسب و طرح و تدوین برنامه‌های آموزشی مناسب زمینه را برای موفقیت کودکان ناشنوا در فراگیری مهارت خواندن مساعد سازند.

**2.2 اهداف تحقیق**

هدف از انجام این تحقیق بررسی شیوه‌های آموزش مهارت خواندن به کودکان ناشنوا در مکتب دیوان‌بیگی و لیسه مسلکی ناشنوایان کابل می‌باشد.

**2.3 سوال تحقیق**

سوالی اصلی که تحقیق کنونی کوشش می‌نماید تا جوابات مناسب برای آن ارائه کند این است که "مکاتب ناشنوایان با چه چالش‌هایی در بهبود روش‌های آموزش مهارت خواندن به شاگردان ناشنوا روبرو هستند؟".

**3. روش تحقیق**

تحقیق کنونی مطالعه‌ای کیفی از نوع تحلیل محتوی می‌باشد که در جهت شناخت چالش‌های آموزش خواندن به افراد ناشنوا از طریق تجارب معلمان مکاتب ناشنوایان انجام شده است. محل اجرای تحقیق مکتب دیوان بیگی و لیسه مسلکی ناشنوایان شهر کابل می‌باشد که نسبت به سایر مکاتب تجربه بیشتری در آموزش افراد ناشنوا دارند انتخاب شده اند. افراد شامل در این تحقیق 14 تن از معلمان مکاتب ناشنوایان شهر کابل می‌باشند که به اساس نمونه‌گیری هدفمند از میان معلمان دو مکتب انتخاب شده بودند. شیوه جمع‌آوری اطلاعات استفاده از مصاحبه بود که در آن هر یک از اشتراک کنندگان به چهار سوال باز ذیل پاسخ ارائه می‌نمودند:

**■ سوال اول: خود را معرفی کنید؟**

هدف از طرح سوال اول آشنایی با تجارب، درجه تحصیلی، و سایر موضوعات مرتبط با خصوصیات معلمانی به شاگردان ناشنوا آموزش می‌دهند بود. پرسیدن این سوال به محقق کمک نمود تا با خصوصیات معلمانی که در مصاحبه اشتراک نموده اند بیشتر آشنا شود.

**■ سوال دوم: روشی را که برای آموزش در صنف استفاده می‌نماید را شرح دهید؟**

سوال دوم در پی کسب اطلاعات از روش‌هایی است که معلم در آموزش استفاده می‌کنند. جوابات داده شده به این سوال اطلاعات بسیار مهمی را در رابطه به زمینه آموزش خواندن به شاگردان ناشنوا ارائه نمود و آگاهی محقق را نسبت به شرایط آموزش درک خواندن افزایش داد.

نتایج تعدادی از تحقیقات نشان داده اند که افراد ناشنوا در کسب مهارت خواندن موفقیت چندانی به دست نمی‌آورند و در امر یادگیری مهارت خواندن در مقایسه با همتایان شنوایی خود دچار ضعف هستند. معمولاً این کودکان بعد از فراغت از مکتب تنها قادر به درک خواندن در سطح صنف چهارم مکتب می‌باشند (کیلی<sup>6</sup>، 2003؛ پاول<sup>7</sup>، 1998؛ استراسمن<sup>8</sup>، 1997).

اما در کنار این واقعیت باید در نظر داشت که تحقیقات مختلف به این نتیجه دست یافته‌اند که ضعف مهارت خواندن در کودکان ناشنوا به علت پایین بودن میزان هوش آنها نیست (حسن زاده، 1388)، چنانچه برخی از تحقیقات نشان داده‌اند که عواملی چون شیوه‌های تدریس، حمایت و سهم‌گیری والدین و تبحر افراد ناشنوا در زبان نقش مهمی در پیشرفت خواندن این کودکان دارد و به وضوح نشان داده‌اند که افراد ناشنوایی که مهارت زبانی در آنها به خوبی توسعه یافته و از حمایت بیشتری از سوی والدین برخوردار بوده‌اند و در آموزش آنها معلمان از روش‌های مناسب استفاده کرده‌اند، در مهارت خواندن پیشرفت قابل ملاحظه‌ای داشته‌اند و میزان عقب مانده‌گی آنها نسبت به همتایان شنوایشان کاهش یافته است (هاریس<sup>9</sup> و بیچ<sup>10</sup>، 1998؛ مدو<sup>11</sup> و میبری<sup>12</sup>، 2001؛ هاستن<sup>13</sup> و ایستبروکز<sup>14</sup>، 2007؛ یاسر<sup>15</sup> و هیلاوانی<sup>16</sup>، 2002؛ پیتر<sup>17</sup> و همکاران، 2009). از این رو ضعف کودکان ناشنوا در امر یادگیری را می‌توان بیشتر معلول عوامل غیر از نقص شنوایی دانست و امید داشت تا با طرح و اجرای برنامه‌های مناسب زمینه توسعه مهارت خواندن در افراد ناشنوا را مساعد ساخت.

متأسفانه تاکنون تحقیقی در رابطه به بررسی میزان موفقیت مکاتب ناشنوایان در آموزش مهارت خواندن به افراد ناشنوا در افغانستان انجام نشده اما به دو دلیل محقق عقیده دارد که این مکاتب در توسعه مهارت خواندن در افراد ناشنوا ناموفق بوده‌اند.

اولین دلیل از آنجا نشات می‌گیرد که تاریخچه آموزش و پرورش ناشنوایان در افغانستان بسیار کوتاه بوده و از تجارب بسیار اندکی در این بخش بر خوردار می‌باشد. دومین دلیل تجارب شخص محقق در زمینه کار با افراد ناشنوا است که خود به شکل مستقیم شاهد بوده که بسیاری از شاگردان و فارغان مکاتب ناشنوایان در خواندن و درک متون نوشتاری با مشکلات بسیار جدی روبرو بوده اند.

متأسفانه تا کنون تحقیقی به منظور بررسی شیوه‌های آموزش مهارت خواندن در مکاتب افغانستان انجام نشده است و اطلاعات کافی در مورد این که مکاتب ناشنوایان در آموزش خواندن با کدام مشکلات روبرو هستند؟ در دسترس نمی‌باشد. از این رو محقق در جهت حل این معضل تحقیق کنونی را طرح و اجرا نموده است تا با بررسی شیوه‌های آموزش خواندن در مکاتب ناشنوایان و دریافت چالش‌ها زمینه را برای حل این مشکل مساعد سازد.

6 Kelly

7 Paul

8 Strassman

9 Harris

10 beech

11 Meadow

12 mayberry

13 Huston

14 Easterbrooks

15 Yasser

16 Hillawani

17 Peeters

▪ روش های استفاده شده تا چه اندازه در آموزش خواندن به شاگردان ناشنوا موثر هستند؟  
این سوال به این منظور طرح گردیده است تا محقق با میزان موثریت روش های آموزشی آشنا شود. جوابات ارائه شده به این سوال به محقق کمک نمود تا با مزیت ها و چالش های روش های آموزشی استفاده شده توسط معلمان در توسعه مهارت های خواندن آشنا شود.

▪ با چه موانعی در بهبود روش های آموزشی روبرو هستید؟  
این سوال به این منظور طرح گردید تا چالش هایی که معلمان در بهبود روش های آموزشی با آن روبرو بودند، معرفی شوند. جوابات ارائه شده به این سوال به محقق کم نمود تا با امکانات و موانعی که معلمان در جهت بهبود روش های آموزشی با آن روبرو بودند آشنا شود.

تمام این سوالات به شکل باز و کلی طرح گردیده بودند و این اجازه را به محقق می دادند تا نظر به ضرورتی که احساس می-کند سوالات جدید را مطرح کند. برخی از این سوالات که تحت عنوان سوالات کمکی قرار داشتند قبل از آغاز پروسه مصاحبه پیش بینی و تهیه گردیده بودند و برخی دیگر بعد از تحلیل اطلاعات به دست آمده از چند مصاحبه اول و به دلیل اینکه محقق احساس می نمود که برای شناسایی چالش های آموزش درک خواندن ضروری است تا در مصاحبه های آینده از آنها استفاده شود، تهیه شدند.

در تحلیل و تجزیه اطلاعات محقق به منظور مشخص کردن موضوعاتی که باید در مصاحبه ها بالای آنها تاکید نماید، به شکل تدریجی بعد از انجام هر مصاحبه تحلیلی از اطلاعات به دست آمده از هر مصاحبه انجام گرفت. اما تحلیل و تجزیه نهایی اطلاعات بعد از ختم مصاحبه ها در شش مرحله ذیل صورت پذیرفت.

1. در قدم اول رونوشت های مصاحبه ها چندین بار توسط محقق به منظور رسیدن به یک درک کلی و صحیح دوباره خوانی شدند.
  2. در قدم دوم پاسخ های ارائه شده توسط معلمان کدگذاری شدند (منظور از کدگذاری استخراج بخش هایی از پاسخ ها بودند که می بایست تحلیل و تجزیه شوند).
  3. در قدم سوم کدهای استخراج شده از مصاحبه ها چندین بار مورد بررسی و غور قرار گرفتند و کدهای تکراری حذف شدند و تعداد کدها کاهش پیدا نمود.
  4. در قدم پنجم کدها عمیقاً مورد تحلیل قرار گرفته و نظر به ارتباطی معنایی آنها دسته بندی شدند.
  5. در قدم چهارم دسته های معنایی با توجه به مفهوم ارتباطی که با یکدیگر داشتند عمیقاً مورد غور و بررسی قرار گرفته و با توجه به شباهت آنها با یکدیگر طبقه بندی شده و هر طبقه از واحدهای معنایی توسط یک تم مشخص شدند، که در نتیجه 13 تم به دست آمد.
  6. در قدم ششم تم ها با توجه به معنا و مفهوم شان با یکدیگر مقایسه، ترتیب گردیده و در گروه های مختلف دسته بندی شدند که در اخیر تحت 5 تم اصلی دسته بندی شدند.
- در این تحقیق محقق از طریق تعامل نزدیک با شرکت کنندگان و تایید اطلاعات توسط آنها، تکرار مراحل جمع آوری و تحلیل و تجزیه اطلاعات، استفاده از نظریات و پیشنهادات استاد رهنما و متخصصین بخش تعلیم و تربیه ناشنوایان کوشش نمود تا میزان روایی (Validity) تحقیق را افزایش دهد.

همچنان قبل از آغاز مصاحبه اطلاعات کافی در رابطه به اهداف مصاحبه، اختیاری بودن اشتراک در مصاحبه، انصراف از ادامه مصاحبه در صورت تمایل و محرمانه بودن اطلاعات در اختیار اشتراک کننده گان قرار گرفت و محقق نهایت کوشش خود را نمود در جریان مصاحبه از زبان مناسب و قابل فهم استفاده نماید و آداب اجتماعی حاکم در جامعه را مراعات نماید.

#### 4. یافته های تحقیق

بعد از تحلیل و تجزیه اطلاعات به دست آمده از مصاحبه با معلمان مکاتب ناشنوایان چالش های مکاتب در بهبود آموزش مهارت خواندن به کودکان ناشنوا تحت پنج تم اصلی طبقه بندی شده اند که هر تم اصلی شامل تم های فرعی می شود که در جدول شماره 1 نام برده شده اند و به تعقیب آن به شکل مفصل تشریح شده اند.

جدول شماره 1 تم های اصلی و فرعی

تم های اصلی	تم های فرعی
باورها	عقب مانده ذهنی معیوبیت حافظه ضعیف
اقدامات اولیه	نبود برنامه های قبل از مکتب نبود برنامه های اقدامات اولیه
ظرفیت مسلکی و تخصصی معلمان	نبود برنامه های ارتقاء ظرفیت برای معلمان عدم آشنایی معلمان با خصوصیات افراد ناشنوا عدم آشنایی معلمان با فرایند یادگیری خواندن
مواد آموزشی	بالا بودن سطح دشواری متون کمبود تصاویر و اشکال استفاده از زبان رسمی در نگارش متن
همکاری والدین	عدم تمایل والدین در سهم گیری در برنامه های مکتب عدم همکاری والدین با شاگرد ناشنوا در خانه

#### 4.1 باورها

وجود باورهای منفی نسبت به توانایی شاگردان ناشنوا در معلمان مکاتب ناشنوایان یکی از موانع بسیار بزرگ در بهبود روش های آموزش مهارت خواندن به آنها می باشد، چنانچه در تحقیقی نونان<sup>18</sup> و همکاران (2004) دریافتند که باورها منفی می توانند بر موفقیت تحصیلی و کاری افراد ناشنوا تاثیرگذار باشند. یافته های تحقیق کنونی نشان داد که عقیده به این که افراد ناشنوا عقب مانده ذهنی هستند، معیوب می باشند و نمی توانند مانند افراد عادی پیشرفت کنند و همچنان دارای حافظه بسیار ضعیف هستند به شکل گسترده در بین معلمان مکاتب ناشنوایان وجود دارد. این عقاید بر میزان باورمندی معلمان بر موثر بودن برنامه های آموزشی در آموزش مهارت خواندن به شاگردان ناشنوا تاثیر گذاشته و باعث شده اند معلمان سعی و تلاش کمی در جهت بهبود روش های آموزش مهارت خواندن به شاگردان ناشنوا از خود نشان دهند چنانچه یکی از معلمان در این رابطه می گفت: "افراد ناشنوا دچار عقب مانده گی ذهنی هستند و نمی-توانند مانند افراد عادی یاد بگیرند تا بخوانند."

<sup>18</sup> Noonan

#### 4.2 حمایت و همکاری والدین

عدم حمایت والدین از برنامه‌های آموزشی باعث گردیده است تا آموزش به شاگردان ناشنوا محدود به ساعاتی شود که آنها در مکتب حضور دارند و فرصت تکرار و تمرین و استفاده از آموخته‌های در محیط خارج از مکتب را به دست نیاورند. این مسئله باعث شده است تا میزان موفقیت آموزش مهارت‌های خواندن به شاگردان ناشنوا کاهش یابد. چنانچه پیتر<sup>19</sup> و همکاران (2003) نیز در تحقیق خود دریافته‌اند که دخالت والدین و حمایت آنها از برنامه‌های آموزشی تأثیرات مثبت بر رشد مهارت‌های خواندن شاگردان ناشنوا دارد. نتایج تحقیق کنونی نیز نشان داد که عدم سهم گیری والدین در برنامه‌های آموزشی و عدم همکاری والدین در خانه با شاگردان ناشنوا از جمله مهمترین مسائل در بخش حمایت والدین از شاگردان ناشنوا می‌باشد. عدم سهم گیری والدین در برنامه‌های آموزشی اولاً باعث می‌گردد تا آنها مهارت‌هایی نظر استفاده از زبان اشاره که برای کار با شاگردان ناشنوا ضروری هستند را فراموش کنند و دوماً باعث می‌گردد تا از نیازهای فرزندان خود آگاهی نداشته باشند. چنانچه یکی از معلمان در مصاحبه خود اذعان داشت که: "ما از والدین کودک ناشنوا می‌خواهیم تا به مکتب آمده و در کورس‌های آموزش زبان اشاره و دیگر برنامه‌ها اشتراک کنند، اما تعداد کمی از والدین به مکتب می‌آیند." همچنان نتایج تحقیق نشان داد که والدین همکاری کمی با فرزندان خود در خانه انجام می‌دهند چنانچه یکی از معلمان به جواب این سوال که با چه چالش‌های در بهبود روش‌های آموزشی روبرو هستید؟ گفت: "ما از پدر و مادر شاگردان به شکل مکرر خواهش کردیم تا در خانه با فرزندان خود کار کنند و آنها را در انجام کارخانگی کمک کنند اما آنها کوچکترین توجه‌ای به این تقاضای ما نکردند."

#### 4.3 ظرفیت مسلکی و تخصصی معلمان

یکی از چالش‌های بسیار مهم در بخش بهبود آموزش مهارت خواندن به کودکان ناشنوا ظرفیت پایین مسلکی و تخصصی معلمان می‌باشد، که شامل عدم آشنایی با نیازهای کودکان ناشنوا، عدم آشنایی با مفهوم و فرایند آموزش مهارت خواندن و نبود برنامه‌های ارتقاء ظرفیت می‌باشد.

معلمان در مکاتب خاص ناشنویان معمولاً برای آموزش از یک روش مشابه و تکراری استفاده میکنند. چنانچه یکی از معلمان بیان نمود "من برای یک موضوع ابتدا متن کتاب درسی را ساده نموده و سپس آن را به روی تخته نوشته می‌کنم. بعد از آن به وسیله زبان اشاره و گفتار درس را برای شاگردان خوانده و تشریح میکنم و در نهایت شاگردان پیش روی تخته آمده درس را به وسیله زبان اشاره برای سایر شاگردان می‌خوانند." این روش که به شکل گسترده توسط معلمان استفاده می‌شود (تمام 14 معلمی که در این تحقیق با آنها مصاحبه صورت گرفته شده تصدیق کرده اند که از همین روش برای تدریس استفاده میکنند.) و همچنان که خود معلمان نیز به آن اعتراف کرده‌اند موثریت بسیاری کمی در انکشاف مهارت خواندن شاگردان ناشنوا دارد. چنانچه یکی از معلمان بیان داشت: "ناشنواها می‌توانند جملاتی را که من برای آنها تشریح کرده‌ام بخوانند و مفهوم را درک کنند اما اگر جملات تغییر کنند قادر به درک مفهوم آن نمی‌شوند." بنابراین بهبود روشهای تدریس نقش بسیار مهمی در بهبود کیفیت یادگیری مهارت خواندن کودکان ناشنوا دارد اما برای رسیدن به

این هدف اولاً معلمان با کمبود دانش و پائین بودن سطح مهارت‌های مسلکی در شناسایی نیازها و استفاده از میتودهای مناسب آموزش خواندن به کودکان ناشنوا روبرو هستند. چنانچه یکی از معلمان می‌گفت: "من با شیوه‌های نوین در تدریس افراد ناشنوا آشنا نیستم و نمی‌دانم که از کدام روش‌ها باید استفاده شود." و ثانیاً نبود برنامه‌های ارتقاء ظرفیت برای معلمان باعث گردیده است تا آنها به آموزش‌هایی که برای بهبود روش‌های تدریس ضروری هستند، دسترسی نداشته باشند. مثلاً یکی از معلمان در پاسخ به این سوال که چرا برای بهبود روش تدریس خود اقدامی نمی‌کنید، پاسخ داد که: "ما وقتی که درس را به شاگردان ناشنوا آموزش می‌دهیم با مشکلات بسیاری روبرو هستیم اما تا به حال هیچ‌ترنینگی در بخش آموزش خواندن به کودکان ناشنوا برای ما داده نشده است."

نتایج سایر تحقیقات نیز نشان داده است که بهبود سطح دانش و مهارت‌های معلمان نقش بسیار مهمی در بهبود کیفیت آموزش خواندن به کودکان ناشنوا ایفا می‌کند. به شکل نمونه از وگبا<sup>20</sup> و همکاران (2016) در تحقیق خود دریافته‌اند، برنامه‌های آموزشی که باعث بهبود ظرفیت مسلکی و تخصصی معلمان می‌شوند اثرات چشم گیری در بهبود مهارت‌های خواندن کودکان دارد.

#### 4.4 مواد آموزشی

از آنجا که استفاده از متن مناسب در کتب درسی از جمله عوامل بسیار مهم در آموزش خواندن می‌باشد، استفاده از زبان رسمی در نگارش متن، عدم در نظر گرفتن سطح سواد خواندن کودکان ناشنوا و نبود تصاویر و اشکال مختلف در مواد چاپی آموزشی (کتابهای مضامین مختلف) مکاتب خاص ناشنویان باعث می‌گردد گردیده است این کتابها موثریت چندانی در توسعه مهارت خواندن شاگردان ناشنوا نداشته باشند. در مکاتب خاص ناشنویان برای آموزش از کتابهایی که برای مکاتب عمومی چاپ شده‌اند، استفاده می‌شود. چنانچه یکی از معلمان در این رابطه گفت: "ما برای آموزش مضامین مختلف از کتابهایی استفاده می‌کنیم که وزارت معارف برای مکاتب عادی استفاده نموده‌اند." معلمان در استفاده از این کتب برای آموزش به شاگردان ناشنوا با مشکلات زیادی روبرو می‌شوند.

سطح دشواری متونی که در این کتابها استفاده شده است چه از لحاظ معنایی و چه از لحاظ گرامری بسیار بالاتر از سطح سواد خواندن شاگردان ناشنوا میباشد. چنانچه یکی از معلمان در این رابطه گفت: "متنی که در کتب درسی است بسیار مغلق میباشد و شاگردان قادر به درک آنها نمی‌باشند." یا یکی دیگر از معلمان در رابطه به اصطلاحاتی که در این متون استفاده شده بیان نمود: "در متن کتب درسی اصطلاحات بسیار مغلق و پیچیده استفاده شده است و شاگردان ناشنوا قادر به درک این لغات نمی‌باشد." همچنان معلم دیگری نیز در رابطه به کمیت اصطلاحات جدید در متون درسی گفت: "تعداد اصطلاحات جدید و ناآشنا برای شاگردان ناشنوا در متن درسی کتب آنقدر زیاد است که ما وقت کافی برای آموزش این کلمات به شاگردان نداریم."

همچنان کبمود تصاویر و اشکال مختلف در کنار متن کتابهای درسی باعث گردیده است تا این کتابها برای آموزش به شاگردان ناشنوا نامناسب باشند. چنانچه یکی از معلمان در این رابطه گفت: "اگر در کتاب درسی به همراه متن تصاویر و اشکال استفاده شود کودکان ناشنوا به درس علاقه بیشتری نشان می‌دهند"

<sup>19</sup> Peeters

<sup>20</sup> Izuagba

دهند و همچنان مفهوم درس را زودتر و بهتر یاد می‌گیرند اما در کتاب های درسی تصاویر بسیار کم استفاده شده است و این باعث می‌شود شاگردان درس را زود یاد نگیرند."

در کنار موضوعات ذکر شده باید یاد آورد شد که زبان نگارش کتب درسی به دلیل اینکه بیشتر به شکل رسمی و ساختارمند است برای آموزش خواندن به کودکان ناشنوا موثریت چندانی ندارند. در صورتی که اگر متن کتاب به شکل روایتی تهیه شود، کمک بسیار زیادی به بهبود رشد مهارت خواندن در شاگردان ناشنوا می‌کند. چنانچه یکی از معلمان در این رابطه بیان داشت که: "اگر ما درس را برای شاگردان به شکل داستان تشریح کنیم آنها بسیار زود یاد می‌گیرند اما متن کتابهای درسی به شکل داستان نیست و بسیار مشکل است که شاگردان ناشنوا آن را یاد بگیرند."

تحقیقات بسیار زیادی در رابطه به استفاده از متن مناسب در آموزش خواندن به افراد ناشنوا اجرا شده است و نتایج این تحقیقات نشان داده است که استفاده از تصاویر و گراف‌ها می‌تواند جریان توسعه درک خواندن در شاگردان ناشنوا تسریع بخشد (دایبولد<sup>21</sup> و والدین<sup>22</sup>، 1988؛ جنتری<sup>23</sup> و همکاران، 1987)، در نظر گرفتن توانایی های افراد ناشنوا و جریان آموزش درک خواندن در نگارش متون کتب درسی اثرات مثبتی بر رشد مهارت های درک خواندن کودکان ناشنوا داشته باشد (کومینگ<sup>24</sup> و همکاران 1985؛ یورکوسکی<sup>25</sup> و اولت<sup>26</sup>، 1986؛ اولت و همکاران، 1992؛ اسرایلیت<sup>27</sup> و هلفریچ<sup>28</sup>، 1988؛ انکن<sup>29</sup> و هلمز<sup>30</sup>، 1977 و نگین<sup>31</sup>، 1987) و همچنان استفاده از زبان روایتی در نگارش متن کتب درسی توسعه مهارت خواندن در شاگردان ناشنوا را تسهیل می‌بخشد (دونین<sup>32</sup> و همکاران، 1991؛ اسپیر<sup>33</sup> و وینتر<sup>34</sup>، 1993).

#### 4.5 اقدامات اولیه

نیود برنامه‌های اقدامات اولیه به دلیل اینکه باعث ضعف کودکان ناشنوا در مهارت های زبانی و پیش نیاز برای خواندن قبل از وارد شدن به مکتب می‌شوند از جمله چالش‌های بسیار مهم مکاتب ناشنوایان در بهبود آموزش مهارت خواندن به کودکان ناشنوا می‌باشد. اقدامات اولیه از طریق برنامه‌های آموزشی و توانبخشی قبل از مکتب مهارت های شاگردان ناشنوا در جهت آماده شدن برای فراگیری مهارت خواندن را توسعه می‌دهد. نتایج تحقیقات متعددی نشان داده‌اند که تبحر زبان (مایبری<sup>35</sup>، 2010)، درک مفاهیم بنیادی (لاساسو<sup>36</sup> و دیوی<sup>37</sup>، 1987) و آگاهی آواشناسانه (دیسجاردین<sup>38</sup> و دیگران، 2009) از جمله

مهارت های مهم پیش نیاز برای کودکان ناشنوا برای فراگیری مهارت خواندن می‌باشد و باید قبل از ورود کودکان ناشنوا به مکتب از طریق برنامه‌های قبل از مکتب و اقدامات اولیه توسعه یابند و از آنجا که توسعه این مهارت ها نقش بسیار مهمی را در آماده سازی شاگردان ناشنوا برای فراگیری مهارت خواندن ایفا می‌کند برنامه‌های اقدامات اولیه و قبل از مکتب جزء مهم از برنامه‌های آموزشی افراد ناشنوا به حساب می‌آید. متأسفانه اکثریت کودکان ناشنوا زمانی که وارد مکتب می‌شوند قبل از آن هیچ برنامه آموزشی دریافت نکرده و از مزایای برنامه‌های اقدامات اولیه مستفید نمی‌شوند و این مسئله باعث بروز چالش‌های بسیاری برای معلمان مکتب در بخش آموزش خواندن به شاگردان ناشنوا می‌شود. چنانچه یکی از معلمان مکاتب ناشنوایان بیان داشت: "به دلیل اینکه برنامه‌های قبل از مکتب در افغانستان برای کودکان ناشنوا وجود ندارد آنها برای شامل شدن در صنف اول مکتب آماده نیستند و چیزهای ضروری که نیاز دارند در دوره کودکی یاد نمی‌گیرند."

نیود برنامه های اقدامات اولیه و پیش از مکتب باعث گردیده است تا کودکان ناشنوا دانش و تجربیات محدودی در زمینه استفاده از زبان (چه اشاره و چه زبان گفتاری) داشته باشند. چنانچه یکی از معلمان در مصاحبه تذکر داد: "اطفال ناشنوا با وضعیفی شامل صنف اول می‌شوند که حتی قادر به اشاره مفاهیم بسیار ابتدایی مانند مکتب نیستند به همین دلیل در ابتدا مفاهیم با آنها بسیار مشکل می‌باشد."

تجربیات محدود کودکان ناشنوا در استفاده از زبان باعث می‌شود تا شاگردان ناشنوا ذخیره لغات بسیار محدود داشته و نتوانند مفاهیم بسیار ابتدایی که معمولاً کودکان عادی آنها را در محیط خانه کسب می‌کنند، را فرا بگیرند. چنانچه یکی از معلمان در این رابطه بیان داشت: "اکثریت کودکان ناشنوا حتی در صنف 9-12 معنی لغات برخی از کلمات ساده که کودکان عادی در صنف دوم و سوم یاد می‌گیرند را یاد ندارند." این محدودیت همچنان باعث می‌شود تا شاگردان ناشنوا دانش محدودی در رابطه به ساختار جملات و گرامر زبان داشته باشند.

مهم و موثر بودن برنامه‌های اقدامات اولیه در بهبود مهارت های خواندن کودکان توسط نتایج بسیاری از تحقیقات به اثبات رسیده است (کابین<sup>39</sup> و همکاران، 2001؛ بس<sup>40</sup> و همکاران، 1999)، بنابراین نبود برنامه های اقدامات اولیه و قبل از مکتب باعث گردیده است تا شاگردان ناشنوا دانش و مهارت های لازم را که برای شامل شدن به مکتب و فراگیری مهارت های خواندن ضروری می‌باشد، را یاد نگیرند. و معلمان در قسمت آموزش مهارت خواندن به شاگردان ناشنوا با چالش های متعدد روبه رو شوند.

#### 5. نتیجه گیری و پیشنهادات

از مقایسه یافته‌های تحقیق با نظریات و نتایج تحقیقات انجام شده در بخش آموزش درک خواندن به کودکان ناشنوا چنین به نظر می‌رسد مکاتب ناشنوایان در قسمت بهبود آموزش مهارت های خواندن به شاگردان ناشنوا با مشکلات بسیار جدی روبرو هستند چنانچه عقاید منفی معلمان نسبت به توانایی شاگردان ناشنوا انگیزه تلاش و کوشش در جهت مساعد ساختن زمینه بهبود آموزش مهارت خواندن به شاگردان ناشنوا را به شدت کاهش داده و نبود برنامه های اقدامات اولیه به این دلیل که باعث

<sup>21</sup> Diebold  
<sup>22</sup> Waldron  
<sup>23</sup> Gentry  
<sup>24</sup> Cumming  
<sup>25</sup> Yurkowski  
<sup>26</sup> Ewoldt  
<sup>27</sup> Israelite  
<sup>28</sup> Helfrich  
<sup>29</sup> Anken  
<sup>30</sup> Holmes  
<sup>31</sup> Negin  
<sup>32</sup> Donin  
<sup>33</sup> Schirmer  
<sup>34</sup> Winter  
<sup>35</sup> Mayberry  
<sup>36</sup> LaSasso  
<sup>37</sup> Davey  
<sup>38</sup> Desjardin

<sup>39</sup> Coyne

<sup>40</sup> Bos

میگردد تا شاگردان ناشنوا مهارتهای پیش نیاز خواندن را فراتگیرند، موثریت برنامه‌های آموزشی تدوین شده توسط مسئولین مکتب در بهبود مهارت خواندن این شاگردان را کاهش دهد. همچنان عدم حمایت و همکاری والدین باعث می‌گردد تا مکاتب ناشنوایان در برنامه ریزیهای آموزشی دچار مشکل شوند و موثریت برنامه‌های آموزشی در جهت بهبود مهارت خواندن در شاگردان ناشنوا را کاهش دهد، علاوه بر موارد یاد شده ضعف مسلکی و تخصصی معلمان باعث گردیده است تا معلمان ظرفیت کمی در شناسایی و حل مشکلات خواندن کودکان ناشنوا داشته باشند و همچنان استفاده از مواد آموزشی نامناسب باعث گردیده است تا معلمان در انتخاب متن مناسب برای آموزش خواندن به شاگردان ناشنوا با مشکلات بسیار جدی روبرو شوند و کیفیت پروسه آموزش خواندن را متاثر سازد. البته به منظور حل این چالش‌ها محقق در قدم اول پیشنهاد می‌نماید تا در رابطه به چالش‌های فوق تحقیقات میدانی طرح و راه اندازی شود و همچنان راه اندازی برنامه‌های آموزشی برای معلمان و والدین شاگردان ناشنوا در جهت تغییر ذهنیت و افزایش دانش و مهارتهای آن در بخش آموزش خواندن به افراد ناشنوا می‌تواند، باعث بهبود آموزش مهارت خواندن به شاگردان ناشنوا گردد.

#### 6. سپاسگزاری

به این وسیله از رهنمای‌های استاد محترم پوهنوال اسدالله فروغ قدردانی به عمل می‌آید. همچنین از مسئولین مکاتب دیوانیگی و لیسه مسلکی ناشنوایان و معلمان که در انجام این پژوهش همکاری صمیمانه ای داشتند، تشکر می‌شود.

#### 7. فهرست ماخذ

- حسن زاده، سعید. (1388). روانشناسی و آموزش کودکان ناشنوا. تهران: انتشارات سمت.
- Anken JR, Holmes DW. Use of adapted "classics" in a reading program for deaf students. *American Annals of the Deaf* 1977;122:8-14.
- Bos CS, Mather N, Friedman Narr R, Babur N. Interactive, collaborative professional development in early literacy instruction: Supporting the balancing act. *Learning Disabilities Research & Practice* 1999;14:227-238.
- Coyne MD, Kame'enui EJ, Simmons DC. Prevention and intervention in beginning reading: Two complex systems. *Learning Disabilities Research & Practice* 2001;16:62-73.
- Cumming C, Grove C, Rodda M. A note on reading comprehension in hearing impaired adolescents. *Journal of the British Association of Teachers of the Deaf* 1985;9(3):57-60.
- Cunningham AE, Stanovich K. What reading does for the mind. *American Educator* 1998;22(1-2):8-15.
- Desjardin J, Ambrose S, Eisenberg L. Literacy Skills in Children with Cochlear Implants: The Importance of Early Oral Language and Joint Storybook Reading. *Journal of Deaf Studies and Deaf Education* 2009;14(1):22-43.
- Diebold T, Waldron M. Designing Instructional Formats: The Effects of Verbal and Pictorial Components on Hearing-Impaired Students' Comprehension of Science Concepts. *American Annals of the Deaf* 1988;133(1):30-35. Retrieved August 15, 2020.
- Donin J, Doehring DG, Browns F. Text comprehension and reading achievement in orally educated hearing-impaired children. *Discourse Processes* 1991;14(3):307-337.
- Easterbrooks S, Huston S. The signed reading fluency of students who are deaf/hard of hearing. *Journal of Deaf Studies and Deaf Education* 2007;13:37-54.
- Ewoltd C, Israelite N, Dodds R. The ability of deaf students to understand text: A comparison of the perceptions of teachers and students. *American Annals of the Deaf* 1992;137:351-361.
- Gentry MM, Chinn KM, Moulton RD. Effectiveness of multimedia reading materials when used with children who are deaf. *American Annals of the Deaf* 2004;149:394-403.
- Harris M, Beech J. Implicit Phonological Awareness and Early Reading Development in Prelingually Deaf Children. *The Journal of Deaf Studies and Deaf Education* 2004;3(3):205-216. Summer 1998.
- Israelite NK, Helfrich MA. Improving text coherence in basal readers: Effects of revisions on the comprehension of hearing-impaired and normal-hearing readers. *Volta Review* 1988;90(6):261-276.
- Izuagba, Angela, Adaku, Afurobi & Nwigwe N, Okonkwo Amaka. Developing Teachers' Capacity for Teaching Pupils Initial Reading Skills: Research Report. *African Research Review* 2016;10:93. 10.4314/afrr.v10i4.7.
- Jacobsn C, Lundberg I. Early prediction of Individual growth in Reading. *Reading and writing: An Interdisciplinary Journal* 2000;13:273-296.
- Kelly LP. Considerations for designing practice for deaf readers. *Journal of Deaf Studies and Deaf Education* 2003;8:171-186.
- LaSasso C, Davey B. The relationship between lexical knowledge and reading comprehension for prelingually, profoundly hearing-impaired students. *Volta Review* 1987;89(4):211-220.
- Mayberry, Rachel. Early Language Acquisition and Adult Language Ability: What Sign Language Reveals About the Critical Period for Language 2010. 10.1093/oxfordhb/9780195390032.013.0019.
- Meadow S, Mayberry R. How do profoundly deaf children learn to read? *Learning disabilities research & practice* 2001;16:222-229.
- Negin GA. The effects of syntactic segmentation on the reading comprehension of hearing impaired students. *Reading Psychology* 1987;8(1):23-31.
- Noonan BM, Gallor SM, Hensler-McGinnis NF, Fassinger RE, Wang S, Goodman J. Challenge and success: A Qualitative study of the career development of highly achieving women with physical and sensory disabilities. *Journal of Counseling Psychology* 2004;51(1):68.
- Paul PV. Literacy and deafness: The development of reading, writing, and literate thought. Boston: Allyn & Bacon 1998.
- Peeters M, Verhoeven L, Moor J, Balkom H, Leeuwe Y. Home literacy predictors of Early Reading Development in children with cerebral palsy. *Research in Developmental Disabilities* 2009;30:445-461.

25. Schirmer BR, Winter CR. Use of cognitive schema by children who are deaf for comprehending narrative text. *Reading Improvement* 1993;30(1):26-34.
26. Strassman BK. Metacognition and reading in children who are deaf: A review of the research. *Journal of Deaf Studies and Deaf Education* 1997;2:140-149.
27. Yasser A, Hillawani AL. Clinical examination of three methods of reading comprehension to deaf and hard of hearing student from research to classroom applications. *Journal of Deaf Studies and Deaf Education* 2002;16:146-156.
28. Yurkowski P, Ewoldt C. A case for semantic processing of the deaf reader. *American Annals of the Deaf* 1986;131:243-247.